

برگ‌های برنده کارخانه گلیسیرین در جذب نیرو

ویژگی:

کارگران اخراجی
کارخانه سیمان در
جذب، سهمیه و ویژه‌ای
داشتند

موضوع:

چگونگی
استخدام
کارگران

راه‌اندازی کارخانه گلیسیرین در محله چشمه‌علی هم برای اشتغال جوانان و هم اخراجی‌های کارخانه سیمان فرصت خوبی بود. علیرضا کورش‌لی، ری‌پژوه درباره ماجرای استخدام و جذب نیرو در کارخانه گلیسیرین چنین تعریف می‌کند: «این کارخانه ابتدا با استقبال خوبی از سوی جوانان و اهالی محله مواجه شد. شیوه جذب کارگران توسط مسئولان کارخانه هم به این شکل بود که با درشکه به محله چشمه‌علی و محله‌های اطرافش می‌رفتند و از مزایای کار در کارخانه گلیسیرین می‌گفتند.



با توجه به شرایط اقتصادی آن زمان، بسیاری از جوانان به دنبال شغلی پایدار بودند و کار در کارخانه گلیسیرین بهترین گزینه بود. علاوه بر این در مقاطع مختلف، وقتی کارخانه سیمان اقدام به اخراج نیرو کرد، این کارخانه به معیادگاه کسانی تبدیل شد که به دنبال فرصتی دوباره برای کار بودند. سابقه کار در کارخانه سیمان برای بسیاری از این افراد یک مزیت محسوب می‌شد و آنها امیدوار بودند که در کارخانه گلیسیرین بتوانند زندگی بهتری برای خود و خانواده‌شان بسازند.

به گفته کورش‌لی، کارخانه گلیسیرین با ارائه هدایای مختلف و پکیج‌هایی به کارگران، سعی داشت فضایی دوستانه و حمایتی ایجاد کند. یکی از این پکیج‌ها سهمیه انواع صابون رخت‌شویی بود. علاوه بر این کارگران سهمیه نان و لباس هم داشتند.

مزیت دیگر این کارخانه نزدیکی آن به محل زندگی کارگران به نسبت دیگر کارخانه‌ها بود. درواقع کارخانه گلیسیرین به یک نقطه امید برای جوانان بیکار تبدیل شد و توانست به رشد و شکوفایی اقتصادی منطقه کمک کند. این کارخانه نه تنها محلی برای کار، بلکه محلی برای ایجاد پیوندهای اجتماعی و اقتصادی میان اهالی و کارگران بود. کارخانه گلیسیرین هنوز فعال است.



ماجرای تولد نخستین کارخانه گلیسیرین کشور

تقریباً دهه ۲۰ بود که در انتهای ترین بخش تهران کارخانه گلیسیرین به عنوان نخستین واحد تولیدی این کالا در ایران متولد شد. گلیسیرین نقش مهمی در صنایع نظامی و بهداشتی داشت. سیدمحسن ماجدی، ری‌پژوه درباره ساخت این کارخانه پرخطر برای اهالی و همسایه‌های مجاورش می‌گوید: «کارخانه گلیسیرین برای فعالیت و تولید محصول نیاز به آب داشت و به همین بهانه در محل مسیل رودی که از تجریش سرازیر می‌شد و از بلوار ابوذر گذر می‌کرد و به محل صفائی می‌رسید، این کارخانه را احداث کردند. کارخانه درست کنار چند رشته قنات و آرامستان ابن‌بابویه قرار داشت. زمان حفاری و گودبرداری کارخانه بقایای کاشی کاری و گچبری مسجد و مدرسه‌ای که قدمت آن به دوران اسلامی

ری‌باز می‌گشت، کشف شد.»

به گفته ماجدی، روغن گلیسیرین که در این کارخانه تولید می‌شد، در صنایع نظامی به کار می‌رفت و بخشی از آن نیز برای تولید صابون گلیسیرین استفاده می‌شد. این محصول به‌ویژه در میان مردم محبوبیت زیادی پیدا کرد و به تدریج کارخانه به رونق رسید. تا پیش از راه‌اندازی این کارخانه مردم برای تمیز کردن لباس‌های خود از چوبک استفاده می‌کردند و تولید صابون گلیسیرین به یک انقلاب در حوزه بهداشت و نظافت تبدیل شد. این کارخانه نه تنها صرفه اقتصادی داشت، بلکه با ارتقای سطح بهداشت عمومی تأثیر مثبتی بر زندگی روزمره مردم گذاشت.

شست‌وشوی لباس دست‌دوم باشوینده جدید

در دهه ۳۰ تهران شاهد اتفاقی جالب در جوار کارخانه گلیسیرین بود. قصه از اینجا شروع شد که خروجی آب داغ کارخانه گلیسیرین مورد توجه مردم قرار گرفت. این آب داغ که حاصل خنک کردن دستگاه‌ها بود، منبعی برای شست‌وشوی لباس شد. ماجدی در این باره می‌گوید: «در گذشته فروش لباس‌های دست‌دوم در تهران رونق خوبی داشت و کارخانه گلیسیرین یکی از بهترین مکان‌ها برای شست‌وشوی اینگونه لباس‌ها بود. خروجی آب‌های خنک‌کننده دستگاه‌های کارخانه، داغ بود و مردم به‌ویژه فروشندگان لباس‌های دست‌دوم به آن احتیاج داشتند. آنها از آب داغ و ضایعات صابونی که از لوله‌های خروجی به داخل خیابان می‌ریخت، برای شست‌وشوی لباس‌هایی که مردم یا فروشندگان دست‌دوم از شوش، دروازه‌غار و مولوی می‌آوردند استفاده می‌کردند. در گذشته به این کار گازور کردن می‌گفتند.»

صابون گلوله‌ای چه بود؟

به گفته ماجدی، تهیه صابون‌های گلوله‌ای از دیگر خدمات این کارخانه برای اهالی بود. ماجرا این بود که مردم با صافی و الک ضایعات صابون‌هایی را که از لوله‌های کارخانه بیرون می‌آمد، جمع می‌کردند و با چسباندن کنار هم آنها را به صابون‌های گلوله‌ای تبدیل می‌کردند. این صابون‌ها برای فروش یا هدیه به دوستان استفاده می‌شد.



برق از کارخانه به خانه‌های اهالی رفت

اگر دستی بر گردوغبار خاطرات اهالی چشمه‌علی، همسایه کارخانه گلیسیرین بکشیم، بوی عطر نان تازه و هیاهوی خرید از بازارچه داخل کارخانه به‌ویژه در شب‌های عید نوروز و دیگر ایام هنوز هم شیرین‌ترین خاطرات مشترک است. ماجدی درباره این خاطرات به نقل از اهالی تعریف می‌کند: «برای تأمین رفاه کارگران و خانواده‌های آنها داخل کارخانه نانواایی و بازارچه‌ای هم راه‌اندازی شده بود که فقط کارگران و اعضای خانواده‌هایشان اجازه خرید و حضور در آن را داشتند؛ اما محلی‌ها از این فرصت استفاده و سعی می‌کردند با طرح دوستی



نام:
ارائه خدمات
رفاهی به کارگران

موقعیت:
استفاده اهالی
از تسهیلات
کارخانه با طرح
دوستی

ریختن با کارگران و خانواده‌هایشان برای خرید نان و مایحتاج مورد نیاز سرکی به کارخانه و بازارچه هم بکشند. «همچنین این ری‌پژوه از تأمین برق خانه‌های اهالی از سوی این کارخانه یاد می‌کند و می‌گوید: «برقی که توسط ژنراتورها تولید می‌شد، روشنائی محله و بازارچه و نانواایی داخل کارخانه را تأمین می‌کرد.»

